



مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران خبر داد:

کشف تونل مخفی سرقت گاز در واحد استخراج رمزارز اشتهارد

صفحه ۲

رئیس‌جمهور در جمع فعالان سیاسی و مدیران اجرایی تاکید کرد:

رفع بیکاری و حل مشکلات معیشتی دودغدغه مهم دولت

بدریاش، صادق محصولی و حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی، ضمن ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادهاى خود در باره مهم‌ترین مسایل سیاسى، اجتماعى، اقتصادى، فرهنگى و امنیتی کشور، بر ضرورت هم‌افزایی ظرفیتهای ملی، تقویت انسجام اجتماعی و بهره‌گیری از توانمندی‌های خارج از ساختار دولت و نیروهای مسلح برای مواجهه مؤثر با ابعاد ...

نشست هم‌اندیشی «ظرفیت‌سازی و هم‌افزایی ظرفیتهای ملی برای خنثی‌سازی راهبرد دشمن در جنگ ترکیبی علیه کشور» با حضور مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، جمعی از فعالان سیاسی، مدیران اجرایی و مسئولان حوزه‌های دینی و فرهنگی برگزار شد. در این نشست، محسن رضایی، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی‌کبری، مهرداد ...

شرح در صفحه ۲

مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور:	مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس اعلام کرد:	رئیس اتاق بازرگانی ایران:
پساب در حال تبدیل به یکی از منابع راهبردی آب کشور است	ورود سومین دکل حفاری جدید به آب‌های ایران	آمارهای رشد صنعتی کشور نگران‌کننده است
صفحه ۱	صفحه ۲	صفحه ۱
		
ادامه در صفحه ۱		



کارشناس اقتصادی تشریح کرد:

آسیب اقتصاد ایران از تحریم‌ها و تراستی‌های ارزهای صادراتی

اخبار

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

آمارهای رشد صنعتی کشور نگران‌کننده است

رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: رشد صنعتی کشورمان بر اساس آمارهای کارشناسی اعلام شده، از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، از رشد پنج درصدی به رشد منفی ۱۵ رسیده که این آمارها نگرانی‌های بزرگی برای کشورمان بخصوص برای فعالین اقتصادی ایجاد کرده است که انتظار می‌رود این مشکلات با اصلاح سیاست‌های کشور، حل‌وفصل شوند.

صمد حسن‌زاده رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در نشست هیات نمایندگان اتاق ایران گفت: حدود ۵۰ سال تحریم و ۳ جنگ تحمیلی برای کشورمان بسیار سنگین بوده و شخصیت‌های بزرگی را از دست داده‌ایم و بنگاه‌ها و کارخانجات بزرگ آسیب‌هایی دیده‌اند ولی فعالان اقتصادی و مردم توانسته‌اند مقابل این تجاوزها و آسیب‌ها مقاومت کنند و شرایطی ایجاد نمایند که با کمترین مشکل در تامین نیازهای اساسی جامعه مواجه باشیم. وی با بیان اینکه وظیفه فعالین و بنگاه‌های اقتصادی از همه دور‌ان‌ها مهم‌تر است، ادامه داد: باید تلاش خود را برای تداوم و استمرار تولید انجام دهیم تا به شرایطی دست یابیم که مشکلات برای کشور و فعالیت‌های اقتصادی کمتر شود. حسن‌زاده عبور از شرایط کنونی را در گرو تقویت پیوندهای درون‌زای اقتصاد کشور دانست و گفت: لازم است توان صنایع بزرگ با ظرفیت، تخصص و نوآوری بنگاه‌های کوچک و متوسط همراه شود و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی کشور رقم بخورد. رئیس اتاق ایران با بیان اینکه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور که بخش بزرگی از ظرفیت اشتغال را در خود جای داده‌اند با مشکلات بسیار بزرگی روبه‌رو هستند، گفت: فعالان بزرگ اقتصادی برای اینکه بتوانند برای کشورمان خدمت ماندگارتری انجام دهند، حتماً لازم است فعالین اقتصادی کوچک و متوسط را با خود همراه سازند و از تولیدات آنها در جریان فروش و صادرات استفاده کنند.

وی رونمایی از سامانه نظام مبادلات پیمانکاری فرعی ایران (SPX) را گام بلند اتاق ایران برای هم‌افزایی ملی دانست و گفت: اقدام جدید اتاق ایران در راستای هم‌افزایی ملی، ایجاد سکوی عملیاتی برای پیوند بنگاه‌های کوچک با صنایع بزرگ است که در این راستا سامانه نظام مبادلات پیمانکاری فرعی ایران در همکاری اتاق ایران و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران اجرایی شد.

رئیس اتاق ایران در مورد جزئیات این سامانه گفت: این سامانه با جمع‌آوری اطلاعات بنگاه‌ها و نیازهای کارفرمایان، روابط میان بنگاه‌های کوچک و بزرگ را از حالت پراکنده و مقطعی به همکاری‌های پایدار و هدفمند تبدیل کرده و سازوکاری برای ایجاد روابط پایدار، شفاف و قابل‌مدیریت برای ایجاد می‌کند. حسن‌زاده با اعلام خبر خوش‌وزیر صمت که در نشست اخیر شورای روسای اتاق‌های سراسر کشور مطرح شده است، گفت: وزیر صمت اعلام کرد که ۴۰۰ همت برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط تصویب شده است و ۲۰۰ همت نیز برای تامین نیازهای واقعی کشور و تامین کالاهای اساسی که می‌توانند در کشور تولید شوند، کمک خواهد شد.

وی از برنامه انعقاد تفاهم‌نامه پنج جانبه به عنوان اقدام ملی برای بهبود محیط کسب‌وکار خبر داد و گفت: اتاق ایران به عنوان یک اقدام ملی در راستای همگرایی و توسعه همکاری فراگیر در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، شکل‌گیری یک تعامل پنج‌جانبه را پیگیری نموده است که برای عملیاتی شدن این تعامل، یک تفاهم‌نامه پنج‌جانبه فرمایین اتاق ایران، وزارت اقتصاد، معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری، وزارت کشور و حوزه ویژه هیات دولت هم‌زمان با برگزاری شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی امضا خواهد شد.

مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور:

پساب در حال تبدیل به یکی از منابع راهبردی آب کشور است

مشخصی پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین توسعه بازار پساب باید به‌عنوان بخشی از سیاست کلان کشور در مدیریت منابع آب دنبال شود.

امینی تاکید کرد: هدف ما این است که پساب از یک «محصول قابل واگذاری» به یک «بازار سازمان‌یافته آب نامتعارف» تبدیل شود؛ بازاری که در آن تولید پساب، کیفیت مورد نیاز مصرف‌کننده، قیمت‌گذاری، تضمین خرییت سرمایه‌گذاری، انتقال و پایش کیفیت به‌صورت یکپارچه دیده شود.

وی افزود: تجربه کشور در واگذاری پساب نشان داده است که می‌توان هم‌زمان سه هدف کاهش برداشت از منابع آب متعارف، افزایش بهره‌وری آب و تأمین مالی توسعه زیرساخت‌های فاضلاب را دنبال کرد.

مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور در ادامه با اشاره به آغاز عملیات اجرایی تکمیل طرح فاضلاب کاشان اظهار کرد: این طرح را باید در همین چارچوب کلان دید؛ چرا که توسعه فاضلاب کاشان علاوه بر آثار بهداشتی و زیست‌محیطی، ظرفیت جدیدی برای تولید و استفاده از پساب و کاهش فشار بر منابع آب متعارف منطقه ایجاد می‌کند. وی گفت: طرح توسعه و تکمیل فاضلاب کاشان در قالب قرارداد بیع متقابل و با مشارکت بخش صنعت، با سرمایه‌گذاری حدود ۷ همت و در مدت سه سال اجرا می‌شود.

امینی افزود: اجرای ۸۰ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب، اتصال ۱۰ هزار انشعاب جدید و افزایش ظرفیت تصفیه فاضلاب شهر کاشان به ۲۰ هزار مترمکعب در شبانه‌روز از جمله بخش‌های این طرح است.

وی ادامه داد: تجربه کاشان نشان می‌دهد که در مناطق دارای محدودیت منابع آب و ظرفیت صنعتی، می‌توان توسعه زیرساخت فاضلاب را با تأمین مالی بخش مصرف‌کننده و ایجاد منبع جدید آب نامتعارف پیوند داد و از این طریق، هم‌زمان به حفاظت از منابع آب و استمرار فعالیت‌های اقتصادی کمک کرد.

امینی در پایان گفت: در اقتصاد کم‌آب، هر مترمکعب آبی که پس از تصفیه دوباره به چرخه مصرف بازمی‌گردد، بخشی از سرمایه آبی کشور را حفظ می‌کند؛ از این رو، توسعه فاضلاب و بازچرخانی پساب باید به‌عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست مدیریت آب کشور دنبال شود.



امینی با اشاره به برنامه توسعه زیرساخت‌های فاضلاب کشور اظهار کرد: بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، تکمیل طرح‌های متعدد فاضلاب در سراسر کشور در دستور کار قرار دارد و هدف این است که ظرفیت تصفیه فاضلاب کشور متناسب با نیازهای آبی، زیست‌محیطی و اقتصادی مناطق توسعه یابد. بر اساس برنامه هفتم توسعه نیز باید ظرفیت قابل توجهی از تصفیه‌خانه‌های فاضلاب جدید وارد مدار بهره‌برداری شود.

وی افزود: توسعه فاضلاب زمانی بیش‌ترین اثربخشی را دارد که از ابتدا، موضوع استفاده از پساب و مصرف‌کننده نهایی آن نیز در طراحی و تأمین مالی طرح مورد توجه قرار گیرد. این همان رویکردی است که در قالب قراردادهای بیع متقابل دنبال می‌کنیم.

مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور با بیان این که قراردادهای بیع متقابل، مدل جدیدی برای پیوند زیرساخت فاضلاب با اقتصاد آب ایجاد کرده‌اند، گفت: در این مدل، مصرف‌کننده عمده پساب، به‌ویژه صنایع، در تأمین مالی زیرساخت‌های فاضلاب مشارکت می‌کند و در مقابل به یک منبع پایدار آب برای فعالیت اقتصادی خود دسترسی پیدا می‌کند.

امینی ادامه داد: به این ترتیب، احداث و تکمیل شبکه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب دیگر صرفاً یک هزینه‌زیرساختی نیست، بلکه می‌تواند به یک سرمایه‌گذاری مولد برای تأمین آب، حفاظت از منابع متعارف و استمرار فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شود.

وی با اشاره به ظرفیت‌های قانونی این رویکرد گفت: قانون برنامه هفتم پیشرفت، آب دریا و پساب را در زمره منابع نامتعارف قرار داده و برای تأمین آب صنایع آب‌بر از این منابع نیز تکالیف

مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور با تأکید بر این‌که مدیریت آب در شرایط کم‌آبی باید از «تأمین منابع جدید» به سمت «مدیریت چرخه آب» تغییر کند، گفت: پساب دیگر محصول جانبی تصفیه فاضلاب نیست، بلکه به یکی از منابع راهبردی آب نامتعارف کشور برای تأمین نیاز بخش‌های مختلف، به‌ویژه صنعت، تبدیل شده است.

هاشم امینی در آیین آغاز عملیات اجرایی تکمیل طرح فاضلاب کاشان، با اشاره به شرایط منابع آب کشور اظهار کرد: استمرار خشکسالی، کاهش ذخایر آب سطحی و زیرزمینی، افزایش تقاضا و محدودیت توسعه منابع متعارف، ضرورت تغییر رویکرد در مدیریت آب را بیش از گذشته آشکار کرده است؛ به گونه‌ای که آینده مدیریت آب کشور در گرو مدیریت چرخه آب و استفاده چندباره از منابع موجود است.

وی افزود: در این چارچوب، جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب صرفاً یک اقدام بهداشتی و زیست‌محیطی نیست، بلکه حلقه‌ای مهم در زنجیره تأمین آب نامتعارف و یکی از ابزارهای افزایش تاب‌آوری آبی کشور به شمار می‌رود.

امینی با اشاره به روند شکل‌گیری بازار پساب در کشور گفت: ۸۶ قرارداد بیع متقابل و واگذاری پساب در کشور منعقد شده که بر اساس آنها امکان واگذاری ۴۰۸ میلیون مترمکعب پساب

در سال فراهم شده است و حجم سرمایه‌گذاری جذب‌شده در این بخش نیز به ۳۸۵ همت رسیده است.

رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور ادامه داد: ۹۵ درصد پساب واگذارشده در کشور به صنایع و ۵ درصد به فضای سبز اختصاص یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد پساب در حال ایفای نقش جدی‌تری در جایگزینی منابع آب متعارف در مصارف غیرشرب است. وی خاطرنشان کرد: به‌ویژه در بخش صنعت، هدف این است که منابع آب شیرین و متعارف برای مصارف ضروری‌تر حفظ شود و صنایع آب‌بر، متناسب با الزامات قانونی و شرایط هر منطقه، نیاز خود را از منابع نامتعارف از جمله پساب و آب دریا تأمین کنند.

اخبار

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تاکید کرد:

واگذاری سایپا و مساله اهلیت خریدار

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از آنچه تجربه ناموفق خصوصی‌سازی در صنعت خودرو می‌داند، تأکید کرد که واگذاری سایپا باید با رعایت الزامات کارشناسی، احراز اهلیت خریدار و با هدف حفظ و توسعه ظرفیت تولید انجام شود.

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به چالش‌های ساختاری صنعت خودرو، ریشه بخشی از مشکلات این صنعت را در مسائل مرتبط با مدیریت و مالکیت دانست و گفت: آنچه در سال‌های گذشته تحت عنوان خصوصی‌سازی در صنعت خودرو انجام شده، لزوماً به شکل‌گیری یک بخش خصوصی واقعی منجر نشده است.

وی با اشاره به واگذاری ایران‌خودرو اظهار داشت: در این تجربه، به جای انتقال مدیریت و مالکیت به بخش خصوصی واقعی، بخشی از سهام به مجموعه‌هایی منتقل شده که از نظر ساختار، نه ویژگی‌های کامل بخش دولتی را دارند و نه از چابکی و ظرفیت‌های بخش خصوصی برخوردارند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در ادامه با اشاره به موضوع واگذاری سایپا، بر ضرورت توجه به ماهیت فعالیت خریدار تأکید کرد و گفت: واگذاری زمانی می‌تواند به اصلاح وضعیت شرکت منجر شود که خریدار علاوه بر توان مالی، از تخصص و توان مدیریتی لازم برای اداره یک مجموعه بزرگ صنعتی برخوردار باشد.

صمصامی هشدار داد که در صورت واگذاری به فرد یا مجموعه‌ای که هدف اصلی آن استفاده از ارزش دارایی‌ها، زمین و املاک شرکت باشد، ممکن است اهداف صنعتی واگذاری محقق نشود.

وی افزود: خصوصی‌سازی زمانی می‌تواند راهگشا باشد که خریدار نگاه توسعه‌ای داشته باشد و منابع و ظرفیت‌های شرکت را در مسیر افزایش تولید، ارتقای فناوری و تقویت فعالیت صنعتی به کار گیرد.

این نماینده مجلس با اشاره به ابعاد گسترده فعالیت سایپا و ارتباط این مجموعه با زنجیره تأمین صنعت خودرو، حفظ ظرفیت تولید و اشتغال را از ملاحظات مهم در فرآیند واگذاری عنوان کرد.

وی گفت: در فرآیند خصوصی‌سازی نباید صرفاً موضوع انتقال مالکیت مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید مشخص باشد که خریدار چه برنامه‌ای برای اداره شرکت، توسعه تولید، سرمایه‌گذاری و حفظ اشتغال دارد.

صمصامی همچنین نسبت به تأثیرگذاری منافع غیرصنعتی بر فرآیند واگذاری هشدار داد و تأکید کرد که ارزش دارایی‌های شرکت نباید جایگزین مأموریت اصلی آن یعنی فعالیت صنعتی و تولیدی شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با تأکید بر نقش نظارتی این نهاد در فرآیند خصوصی‌سازی اظهار داشت: مجلس نسبت به نحوه واگذاری بنگاه‌های بزرگ صنعتی، به‌ویژه مجموعه‌هایی که نقش مهمی در تولید و اشتغال دارند، حساسیت خواهد داشت. وی افزود: چنانچه در فرآیند واگذاری سایپا انحرافی ایجاد شود یا منافع گروه‌های خاص بر منافع صنعت و تولید غلبه کند، مجلس از ابزارهای نظارتی خود استفاده خواهد کرد.

صمصامی با اشاره به ابزارهایی مانند تذکر، سؤال و تحقیق و تفحص گفت: هدف از این نظارت، اطمینان از اجرای صحیح فرآیند واگذاری و جلوگیری از تکرار تجربه‌هایی است که به گفته وی نتوانسته‌اند اهداف مورد انتظار از خصوصی‌سازی در صنعت خودرو را محقق کنند.



مجید آریانزاد – پژوهشگر حوزه انرژی و اقتصاد– بحران انرژی در ایران دیگر مسئله یک وزارتخانه یا یک بخش خاص نیست؛ زنجیره‌ای بهمپیوسته است که از میدان‌های گازی و نیروگاه‌ها آغاز می‌شود و تا کارخانه‌ها، حمل‌ونقل، تورم و معیشت خانوارها امتداد می‌یابد ناترازی گاز، تولید برق را تحت فشار قرار می‌دهد و کاهش تولید برق نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، فعالیت صنایع وابسته به شبکه و حتی برخی صنایع پایین‌دستی نفت و گاز، از جمله پتروشیمی‌ها، را کاهش می‌دهد از سوی دیگر، ناترازی بنزین یا افزایش هزینه حمل‌ونقل، فشار بیشتری بر قیمت تمام‌شده کالاهای خدمات‌وارد می‌کند و در نهایت بر تورم و معیشت خانوارها اثر می‌گذارد.

در این میان، اتلاف قابل‌توجه انرژی در بخش‌های تولید، انتقال و توزیع برق، ساختمان‌ها و دیگر حلقه‌های زنجیره مصرف، نمتنها از شدت ناترازی‌ها نمی‌کاهد، بلکه خود به عاملی برای تشدید آنها تبدیل شده است. به همین دلیل، بحران انرژی را نمی‌توان با سیاست‌های جزیره‌ای و جدا از یکدیگر حل کرد. هر سیاستی که یکی از حلقه‌های این زنجیره را مستقل از سایر حلقه‌ها هدف قرار دهد، ممکن است بخشی از مشکل را کاهش دهد، اما هم‌زمان زمینه تشدید بخش دیگری از بحران را فراهم کند.

ثروت زیرزمینی، انرژی‌قابل‌انکاست:

آخرین آمار اوپک همچنان تناقضی بزرگ را در وضعیت انرژی ایران آشکار می‌کند. بیش از ۲۰۸ میلیارد بشکه ذخیره اثبات‌شده نفت و نزدیک به ۳۴ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز؛ ثروتی عظیم که با وجود آن، کشور همچنان با ناترازی در گاز، برق و سوخت دست‌وپنجه نرم می‌کند. بنابراین، مسئله اصلی ایران کمبود منابع نیست؛ مسئله، شکاف میان منابع زیرزمینی، ظرفیت واقعی تولید و میزان انرژی قابل‌انکابی است که در نهایت به دست مصرف‌کننده می‌رسد. این تمایز اهمیت زیادی دارد. وجود ذخیره در زیر زمین، به‌خودی‌خود به معنای برخورداری از انرژی در نقطه مصرف نیست. میان «ذخیره» «ظرفیت تولید» «توان انتقال» و «انرژی قابل‌تحویل» فاصله‌ای وجود دارد؛ فاصله‌ای که بدون سرمایه‌گذاری، فناوری، نگهداشت و مدیریت صحیح می‌تواند روز بروز بیشتر شود. شاه‌کلید حل این ناترازی‌ها، بیش از هر چیز، به صنعت نفت و گاز و توان کشور در تولید و بهره‌برداری پایدار از این منابع گره خورده است. در این میان، میدان‌گازی پارس جنوبی جایگاهی بی‌پدیل دارد؛ میدانی که سال‌ها ستون فقرات تأمین گاز کشور بوده است، اما اکنون در آستانه ورود به مرحله‌ای حساس قرار گرفته و بزودی با چالش افت فشار مخزن مواجه‌شد.

این وضعیت، ضرورت اتخاذ تصمیم‌های فوری و اجرای برنامه‌های جدی برای فشارافزایی پارس جنوبی و هم‌زمان توسعه میدان‌های گازی دیگر، از جمله میدانهای گازی پارس شمالی و فرزاء، را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرده است؛ برنامه‌ای که بدون توسعه و تکمیل زیرساخت‌های مرتبط، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. از همین رو، این پروژه‌ها امروز در زمره مهم‌ترین و راهبردی‌ترین اولویت‌های اجرایی وزارت نفت قرار گرفته‌اند.

در چنین شرایطی، حتی برخورداری از ذخایر عظیم گازی نیز به‌تنهایی تضمین‌کننده تداوم تولید و عرضه پایدار نیست. زیرا میان «ذخیره در مخزن» و «گاز قابل تولید و تحویل در شبکه» فاصله‌ای وجود دارد که بدون سرمایه‌گذاری و فناوری مناسب، می‌تواند افزایش یابد.

امنیت انرژی فقط به آنچه در مخزن وجود دارد وابسته نیست؛ به توانایی کشور در حفظ ظرفیت تولید و رساندن آن به مصرف‌کننده نیز بستگی دارد.

این واقعیت یک نکته مهم را آشکار می‌کند: حتی بزرگ‌ترین میدان گازی ایران و جهان نیز ظرفیتی ثابت و همیشگی نیست. اگر اقدامات لازم برای حفظ فشار و تداوم تولید به‌موقع انجام نشود، ذخایر عظیم زیرزمینی لزوماً به گاز قابل تولید و تحویل در شبکه تبدیل نخواهند شد.

بنزین؛ مسئله فقط پالایشگاه نیست:

در ناترازی بنزین نیز مسئله صرفاً افزایش ظرفیت تولید نیست. مصرف روزانه در دوره‌هایی از سال ۱۴۰۴ از ۱۳۰ میلیون لیتر عبور کرد و در برخی روزها به بیش از ۱۵۰ میلیون لیتر رسید.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: پویا و کیلی

دفتر مرکزی: خیابان شهید سپهبد قرنی، بین خیابان فلاح پور و محمدی پلاک ۲۴ طبقه سوم واحد ۶

دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ • ۰۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۱ دسامبر ۲۰۲۶ • شماره: ۲۲۷۸

پست الکترونیک: ETEHADEMELAT.IR / ایمیل: ETEHADEMELAT.IR@gmail.com

تلفن: ۰۹۳۳۰۱۶۴۴۳۳ • ۰۹۳۴۶۷۳۵۲۲۵ • ۰۲۱-۸۸۹۳۸۵۸۷-۹ • چاپ: کارگر

اخبار

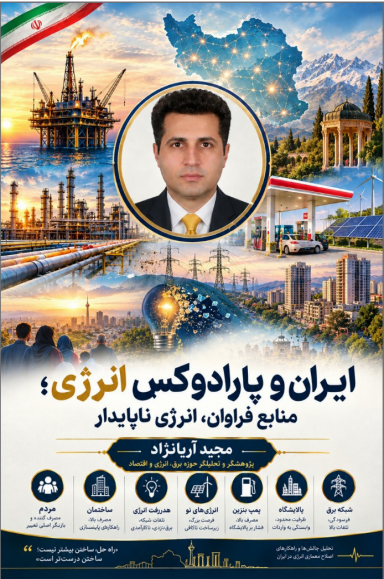
مدیرعامل نفت و گاز اروندان تأکید کرد:

برنامه افزایش تولید چاه‌به‌چاه دنبال شود

به‌گزارش خبرنگار اتحاد ملت به نقل از روابط

عمومی شرکت نفت و گاز اروندان، حمید دریس در جلسه تولید شرکت نفت و گاز اروندان با تأکید بر ضرورت آمادگی مدیران و رؤسا و تهیه گزارش‌های دقیق برای برگزاری جلسه فورکست (پیش‌بینی تولید) اظهار کرد: در این جلسه، برنامه تولید شرکت باید به‌صورت چاه‌به‌چاه و با بررسی وضعیت تولیدی هر چاه مورد ارزیابی قرار گیرد تا پیش‌بینی تولید تا پایان سال، با دقت و انطباق بیشتری با شرایط واقعی انجام شود.

وی، برنامه‌ریزی جامع‌ور و استفاده از ظرفیت تولیدی چاه‌ها و به‌کارگیری از دستگاه جریان سنخ چند فاز (MPFM) را ضروری دانست و افزود: باید ظرفیت‌های موجود چاه‌ها برای حفظ و افزایش تولید را شناسایی کنیم و با تعیین وضعیت اولویت هر چاه، اقدامات لازم‌در کوتاه‌ترین زمان انجام گیرد تا اهداف تولیدی و حتی برنامه افزایش تولید شرکت محقق‌شود.مدیرعامل شرکت نفت و گاز اروندان همچنین با اشاره به اجرای عملیات اورهال در بخش‌هایی تا تأسیسات نفتی داخوین، بر تأمین به‌موقع تجهیزات و قطعات مورد نیاز تأکید کرد و گفت: واحدهای مربوطه باید فرآیند تأمین، پیگیری و ترخیص کالا و تجهیزات مورد نیاز را با جدیت دنبال کنند تا اجرای برنامه‌های تعمیراتی با وقفه مواجه نشود. دریس با تأکید بر ضرورت حرکت به سمت انبارداری مدرن و نظام‌مند ادامه داد: مدیریت موجودی و ساماندهی اقلام و قطعات باید به‌گونه‌ای باشد که در شرایط اضطراری و هنگام بروز نقص یا نیاز عملیاتی، تجهیزات و کالاهای مورد نیاز در کوتاه‌ترین زمان ممکن در دسترس قرار گیرد. وی با اشاره به ویژگی‌ها و مدل چاههای شرکت نفت و گاز اروندان، بر تدوین برنامه مشخص برای تأمین تجهیزات و ملزومات مورد نیاز چاه‌ها و تأسیسات سرچاهی تأکید کرد و گفت: باید با شناسایی نیازهای احتمالی و پیش‌بینی چالش‌های عملیاتی، تجهیزات مورد نیاز از پیش تأمین‌شود تا در زمان بروز مشکل، امکان رفع آن در کوتاه‌ترین زمان فراهم‌شود.



نحوه سازمان‌دهی کل زنجیره انرژی است.

راهل، لزوماً «بیشتر ساختن» نیست؛

در نهایت، شاید مهم‌ترین تغییر موردنیاز در سیاست انرژی ایران، تغییر یک نگاه باشد. عبور از سیاست «تولید هر چه بیشتر انرژی» به سمت سیاست «تحویل انرژی قابل‌انکا با کمترین اتلاف».

در این نگاه، ظرفیت واقعی انرژی کشور فقط با تعداد نیروگاه‌ها، حجم ذخایر گاز یا میزان تولید نفت سنجیده نمی‌شود. یک مگاوات صرفه‌جویی‌شده در ساعت اوج، یک مترمکعب گاز حفظ‌شده در مخزن، یک درصد کاهش ظرفیت واقعی انرژی کشور محسوب می‌شوند.

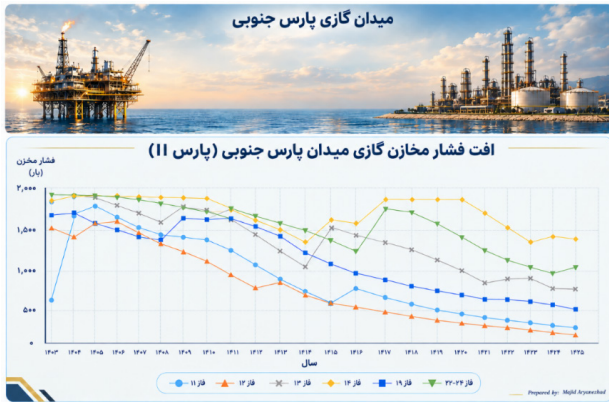
این همان نقطه‌ای است که مفهوم «ناترازی» از یک مسئله صرفاً فنی فراتر می‌رود و به مسئله‌ای اقتصادی و حکمرانی تبدیل می‌شود.

ایران برای عبور از بحران انرژی، الزاماً به ساختن بیشتر نیاز ندارد؛ به درست‌تر ساختن، هوشمندانه‌تر مصرف کردن و هماهنگ‌تر تصمیم گرفتن نیاز دارد.

اگر نگاه ما همچنان بر افزایش جداگانه تولید گاز، برق و بنزین متمرکز بماند، ممکن است ظرفیت‌های بیشتری ایجاد کنیم، اما همچنان با ناترازی روبه‌رو باشیم.

زیرا مشکل در یک حلقه منفرد نیست؛ در ارتباط میان حلقه‌هاست.

ثروت انرژی ایران در زیر زمین نهفته است؛ اما امنیت انرژی آن روی زمین ساخته می‌شود: در نیروگاه، در شبکه، در ساختمان، در خودرو، و بیش از همه، در نظام حکمرانی و تصمیم‌گیری. بحران امروز ایران بیش از آنکه بحران کمبود انرژی باشد، بحران معماری انرژی است.



اصلاح‌شده؛ اصلاحی که بدون حمایت مستقیم و هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر، نه از نظر اقتصادی و نه از نظر اجتماعی پایدار نخواهد بود.

وقتی مصرف‌کننده به بخشی از شبکه تبدیل می‌شود؛

در چنین معماری، مصرف‌کننده دیگر صرفاً دریافت‌کننده برق نیست؛ به بخشی از شبکه تبدیل می‌شود.

کنتورهای هوشمند و تعرفه‌های زمانمند می‌توانند مصرف را به ساعات کپار منتقل کنند. صنایع می‌توانند در قالب برنامه‌های پاسخگویی بار، بخشی از مصرف خود را مدیریت کنند و در ازای آن درآمد کسب کنند. باتری‌ها (BESS) نیز دیگر صرفاً وسیله‌ای برای ذخیره انرژی نخواهند بود؛ بلکه می‌توانند خدماتی مانند تنظیم فرکانس و پشتیبانی لثاز در شرایط بحرانی بارگذاری شبکه را ارائه دهند.

این تغییر نگاه اهمیت زیادی دارد. در معماری سنتی، برای پاسخ به افزایش تقاضا معمولاً نخستین راه‌حل، ساخت ظرفیت جدید است. اما در شبکه هوشمند، بخشی از ظرفیت موردنیاز می‌تواند از مدیریت هوشمند تقاضا، کاهش تلفات، ذخیرسازی و افزایش بهره‌وری به دست آید. به همین دلیل، یک کیلووات برق تولید‌نشده اما صرفه‌جویی‌شده در ساعت اوج، گاهی ارزشی بیشتر از یک کیلووات ظرفیت نیروگاهی جدید دارد؛ زیرا هم نیاز به سوخت و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و هم فشار بر شبکه را کم می‌کند.

پژوهش‌های جدید نیز بر همین رویکرد یکپارچه تأکید دارند. برای ایران، ترکیب بهره‌وری انرژی، مدیریت تقاضا، توسعه تجدیدپذیرها، نوسازی زیرساخت و اصلاح نهادهای می‌تواند از نسخه‌های تک‌بعدی کارآمدتر باشد. پژوهش‌های جدید درباره پارادوکس انرژی ایران نیز ریشه‌های بحران را در کنار فشارهای خارجی، در عوامل همچون اختلال قیمت‌ها، ضعف هماهنگی نهادهای و کمبود سرمایه‌گذاری جست‌وجو می‌کنند.

از این منظر، مسئله فقط تولید انرژی نیست؛ مسئله،

برخط، می‌توان تلفات غیرفنی و سرعت برق را از یک مسئله صرفاً انتظامی به مسئله‌ای مهندسی، قابل‌اندازه‌گیری و دادمحور تبدیل کرد.

البته نتایج عددی این پژوهش مربوط به محیط آزمایشی همان مطالعه است و نمی‌توان آن را مستقیماً به کل شبکه برق ایران تعمیم داد؛ اما پیام اصلی آن فراتر از اعداد است: کنتور هوشمند، داده و هوشمندی شبکه دیگر تجهیزات جانبی نیستند؛ بخشی از زیرساخت امنیت انرژی‌اند.

این نگاه می‌تواند در ایران نیز اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. در شبکه‌ای که هر درصد کاهش تلفات می‌تواند معادل آزاد شدن بخشی از ظرفیت تولید و انتقال باشد، سرمایه‌گذاری در اندازه‌گیری و تحلیل داده، صرفاً یک هزینه فناوری نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت واقعی شبکه است.

جهان چه آموخته است؟

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بحران انرژی معمولاً حاصل یک عامل منفرد نیست و با یک راه‌حل منفرد نیز برطرف نمی‌شود.

ژاپن نمونه‌ای قابل‌توجه است. این کشور از سال ۱۹۹۹ با اجرای برنامه Top Runner، بهره‌وری تجهیزات را از سطح توصیه‌های داوطلبانه فراتر برد و آن را به بخشی از قواعد بازار تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که تولیدکنندگان باید عملکرد محصولات خود را به سطح بهترین تجهیزات موجود نزدیک کنند.

پیام این تجربه برای ایران روشن است: بهره‌وری زمانی جدی می‌شود که به الزام تولید، واردات و بازار تبدیل شود. صرفاً توصیه به مصرف کمتر، بدون تغییر استاندارد تجهیزات و قواعد بازار، نمی‌تواند تحول پایداری ایجاد کند.

برزیل نیز تجربه مهم دیگری در اختیار ما می‌گذارد. این کشور در بحران برق سال ۲۰۰۱، پس از خشکسالی و کمبود سرمایه‌گذاری در تولید و انتقال، ناچار به اجرای سیاست‌های اضطراری کاهش مصرف شد. این سیاست‌ها در بخش بزرگی از کشور، مصرف برق را حدود ۱۸ تا ۲۱ درصد کاهش داد.

اما کاهش اضطراری مصرف و جبرمندی، راه‌حل ساختاری بحران نبود و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجهی به همراه داشت. برزیل در سال‌های بعد، با توسعه منابع باد، خورشید و زیست‌توده، به سمت متنوع‌سازی سبد انرژی حرکت کرد.

درس این تجربه نیز روشن است: امنیت انرژی نه با یک راه‌حل منفرد، بلکه با ترکیب بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، تنوع منابع و حکمرانی درست ساخته می‌شود.

در ایالت کالیفرنیا، آمریکا نیز بحران برق سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ نشان داد که ترکیب کمبود سرمایه‌گذاری، محدودیت ظرفیت انتقال، قیمت‌گذاری نامناسب و طراحی ناقص بازار می‌تواند حتی یکی از پیشرانه‌ترین اقتصادهای جهان را با خاموشی و جهش قیمت برق مواجه کند.

بحران انرژی، پیش از آنکه به سطح کمبود فیزیکی برسد، می‌تواند از ضعف طراحی و حکمرانی آغاز شود. ایران به چه معماری‌ای نیاز دارد؟

برای ایران، عبور از این وضعیت به یک بسته سیاستی یکپارچه نیاز دارد؛ بست‌های که هم‌زمان عرضه، تقاضا، زیرساخت، فناوری و اقتصاد انرژی را هدف قرار دهد.

نخست، باید ظرفیت موجود حفظ و احیا شود؛ از نوسازی نیروگاه‌های فرسوده گرفته تا سرمایه‌گذاری برای فشارافزایی پارس جنوبی و توسعه میدان‌های گازی جدید.

دوم، باید تلفات شبکه کاهش یابد؛ با سرمایه‌گذاری هدفمند، توسعه کنتورهای هوشمند، بهبود تجهیزات و مقابله دادمحور با تلفات غیرفنی.

سوم، بهره‌وری تجهیزات و ساختمان‌ها باید از سطح توصیه و قانون‌روی کاغذ فراتر برود. اجرای واقعی مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان و استفاده از استانداردهای پویای انرژی می‌تواند در این مسیر نقش مهمی داشته باشد. چهارم، انرژی‌های تجدیدپذیر، از جمله نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، باید در کنار ذخیرسازها و الزامات فنی مناسب برای اتصال به شبکه توسعه یابند. توسعه تجدیدپذیرها البته جایگزین سرمایه‌گذاری در شبکه و نیروگاه‌های قابل‌انکا نیست؛ بلکه بخشی از یک سبد متنوع انرژی است.

و پنجم، اقتصاد انرژی و نظام قیمت‌گذاری باید به‌تدریج رشد تقاضا، ناوگان کم‌پا زده و ساختار پارانهای سوخت، فشار مضاعفی بر پالایشگاه‌ها و منابع انرژی وارد می‌کند. بنابراین، پاسخ به این مسئله را نمی‌توان فقط در ساخت پالایشگاه‌های جدید جست‌وجو کرد. کاهش مصرف ویژه خودروها، نوسازی ناوگان و کاهش تدریجی اقتصاد سوخت در کنار طرح جایگزینی خودروهای برقی (EV) و فراهم ساختن زیرساخت‌های آن می‌تواند به همان اندازه، و در مواردی حتی بیشتر، اهمیت داشته باشد.

اگر هر خودروی فرسوده چند برابر یک خودروی جدید سوخت مصرف کند، بخشی از ظرفیت پالایشگاهی کشور عملاً صرف جبران ناکارآمدی ناوگان خواهد شد. در چنین شرایطی، افزایش تولید بدون اصلاح سمت مصرف، تنها به معنای بزرگ‌تر کردن هزینهای زنجیره انرژی است.

مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکا نیست؛

در بخش برق، این فاصله به‌روشنی خود را نشان می‌دهد. ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما پیک مصرف ثبت‌شده در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات بوده و وزارت نیرو برای مدیریت اوج بار تابستان ۱۴۰۵، تأمین حدود ۷۰ هزار مگاوات در ساعات بحرانی را هدف‌گذاری کرده است.

این ارقام یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: مگاوات نصب‌شده، لزوماً مگاوات قابل‌انکاست.

ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات فراتر رفته، اما